

Submit Date: 25 June 2025

Revise Date: 02 November 2025

Accept Date: 09 November 2025

Initial Publish: 23 November 2025

Final Publish: 22 December 2026

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

Jurisprudential Challenges of Utilizing Artificial Intelligence in the Protection of Fundamental Human Rights

Abbas Salahshour¹, Ahmadreza Tavakoli^{*1}, Mohammad Ali Heidari¹

1. Department of Theology, Na.C., Islamic Azad University, Najafabad, Iran

* Corresponding Author's Email: ar.tavakoli64@iau.ac.ir

ABSTRACT

With the rapid expansion of modern technologies, particularly artificial intelligence (AI), this technology has pervasively penetrated various dimensions of human life. However, one of the fundamental challenges in exploiting this technology concerns its impact on individuals' fundamental rights. There is a growing concern that the unregulated use of AI may lead to the weakening or alteration of basic human rights principles. Accordingly, the question arises as to whether AI, alongside its numerous advantages, can be developed in a manner consistent with legal and jurisprudential principles. One of the most significant domains where this technology becomes entangled is Islamic jurisprudence (fiqh). The potential conflicts between the application of AI and jurisprudential principles constitute one of the primary concerns of Islamic scholars. Nevertheless, by relying on the capacities of dynamic jurisprudence and general jurisprudential rules, it is possible to provide religiously legitimate solutions for the use of AI in various legal contexts. Despite this, the absence of explicit and definitive jurisprudential responses regarding the legitimacy of employing this technology in individuals' daily interactions remains a serious challenge. This study, through a descriptive-analytical approach, examines the different dimensions of this challenge and seeks to demonstrate that AI, if properly guided, can serve not only to strengthen both Islamic and conventional human rights but also to promote international peace and uphold citizenship rights.

Keywords: *Artificial Intelligence; Islamic Human Rights; Conventional Human Rights; Modern Technologies; Fundamental Rights*

How to cite: Salahshour, A., Tavakoli, A., & Heidari, M. A. (2026). Jurisprudential Challenges of Utilizing Artificial Intelligence in the Protection of Fundamental Human Rights. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 4(4), 1-14.



تاریخ ارسال: ۴ تیر ۱۴۰۴
 تاریخ بازنگری: ۱۱ آبان ۱۴۰۴
 تاریخ پذیرش: ۱۸ آبان ۱۴۰۴
 تاریخ چاپ اولیه: ۲ آذر ۱۴۰۴
 تاریخ چاپ نهایی: ۱ دی ۱۴۰۵

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی

چالش‌های فقهی بهره‌مندی از هوش مصنوعی در راستای حمایت از حقوق بنیادین افراد

عباس سلحشور^۱، احمدرضا توکلی^۲، محمد علی حیدری^۳

۱. گروه الهیات، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران
 * پست الکترونیک نویسنده مسئول: ar.tavakoli64@iau.ac.ir

چکیده

با گسترش روزافزون فناوری‌های نوین، به‌ویژه هوش مصنوعی، این فناوری به شکلی فراگیر در ابعاد مختلف زندگی بشر نفوذ کرده است. با این حال، یکی از چالش‌های اساسی در بهره‌برداری از این فناوری، تأثیر آن بر حقوق بنیادین افراد است. این نگرانی وجود دارد که بهره‌گیری بی‌ضابطه از هوش مصنوعی، موجب تضعیف یا تغییر در اصول بنیادین حقوق بشری گردد. بر همین اساس، این پرسش مطرح می‌شود که آیا هوش مصنوعی، در کنار مزایای خود، می‌تواند به گونه‌ای توسعه یابد که همسو با اصول حقوقی و فقهی باشد؟ یکی از مهم‌ترین حوزه‌هایی که این فناوری با آن درگیر می‌شود، فقه اسلامی است. تضادهای احتمالی میان کاربرد هوش مصنوعی و اصول فقهی، از جمله دغدغه‌های اندیشمندان اسلامی است. با این حال، با تکیه بر ظرفیت‌های فقه پویا و قواعد عام فقهی، می‌توان راهکارهایی برای توجیه شرعی استفاده از هوش مصنوعی در عرصه‌های مختلف حقوقی ارائه داد. با این وجود، نبود پاسخ‌های صریح و روشن فقهی در زمینه مشروعیت استفاده از این فناوری در مناسبات روزمره افراد، همچنان به‌عنوان چالشی جدی باقی مانده است. این پژوهش با رویکردی توصیفی - تحلیلی، به بررسی ابعاد مختلف این چالش پرداخته و تلاش می‌کند نشان دهد که فناوری هوش مصنوعی، اگر به‌درستی هدایت شود، می‌تواند نه تنها در جهت تقویت حقوق بشر اسلامی و عرفی، بلکه در خدمت تحقق صلح بین‌المللی و حقوق شهروندی نیز قرار گیرد.

کلیدواژگان: هوش مصنوعی؛ حقوق بشر اسلامی؛ حقوق بشر عرفی؛ فناوری‌های نوین؛ حقوق بنیادین

نحوه استناددهی: سلحشور، عباس، توکلی، احمدرضا، و حیدری، محمد علی. (۱۴۰۵). چالش‌های فقهی بهره‌مندی از هوش مصنوعی در راستای حمایت از حقوق بنیادین افراد. *دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی*، ۴ (۴)، ۱-۱۴.

حوزه بهره‌گیری از هوش مصنوعی نه تنها موجودند، بلکه نیازمند بازتعریف دقیق و دقیق‌تری هستند. تأکید این تحقیق بر این است که مسائل مرتبط با فناوری‌های نوین از جمله AI، به دلایل گوناگونی از جمله تأثیرات جهانی و پیچیدگی‌های فنی و اجتماعی، همچنان در عرصه فقه و حقوق اسلامی پاسخی روشن و جامع نیافته‌اند. مسائلی چون تبعیض الگوریتمی، مسئولیت مدنی در عملکرد سامانه‌های هوشمند، تهدید حریم خصوصی، و تأثیر بر ساختارهای عدالت اجتماعی و اقتصادی، همگی از چالش‌های اساسی‌اند که تنها در پرتو تعامل جدی میان فقه، اخلاق و حقوق قابل حل‌اند. از سویی دیگر، حقوق بشر عرفی به دلیل ماهیت نسبی‌گرای خود، گاه با نوعی تساهل در برابر گسترش فناوری برخورد می‌کند؛ به گونه‌ای که در برخی از نظام‌های حقوقی، تسلط هوش مصنوعی حتی بر فرآیندهای قضایی، به نام «کارآمدی» توجیه می‌شود. این در حالی است که در گفتمان اسلامی، اصل بر ثبات اخلاقی و کرامت ذاتی انسان است که اجازه نمی‌دهد حتی ابزارهای مفید، بدون ضابطه اخلاقی و مشروعیت فقهی، جایگزین انسان شوند. افزون بر چالش‌های اخلاقی و فقهی، از منظر حقوق بین‌الملل نیز نگرانی‌هایی مطرح است. تهدیدهای مرتبط با داده‌کاوی، سوگیری‌های غیرموجه در طراحی الگوریتم‌ها، خطرات امنیتی و نابرابری دیجیتال، از جمله عواملی هستند که مستقیماً بر حقوق بنیادین شهروندان تأثیر می‌گذارند. در چنین فضایی، فقدان اجماع جهانی و سازوکارهای نظارتی واحد بر عملکرد هوش مصنوعی، خود می‌تواند موجبات تضییع حقوق بشر را فراهم آورد. در پژوهش حاضر، دو دغدغه اساسی مورد بررسی قرار خواهد گرفت: نخست آن‌که در تقابل میان هوش مصنوعی و حقوق بشر، کدام‌یک بر دیگری سلطه خواهد یافت؟ دوم آن‌که فقه و حقوق اسلامی، با چه ابزارها و ظرفیت‌هایی می‌تواند به مواجهه با این پدیده نوظهور بپردازد؟ با عنایت به اینکه اغلب قوانین

هوش مصنوعی¹ به‌عنوان یکی از بارزترین نمودهای فناوری نوین، در دهه‌های اخیر نقش بنیادینی در تغییر و تحول زیرساخت‌های زندگی بشری ایفا کرده است. این فناوری با سرعتی خیره‌کننده به حوزه‌های مختلف علوم، صنعت، اقتصاد، پزشکی، آموزش و به‌ویژه نظام‌های حقوقی نفوذ کرده و اکنون با چالشی اساسی روبرو است: تطابق یا تضاد آن با حقوق بنیادین افراد. بدیهی است که هر ابزار نوینی در کنار کارآمدی‌های خود، الزامات، تهدیدات و ظرفیت‌های ویژه‌ای نیز به‌همراه دارد. یکی از مهم‌ترین این دغدغه‌ها، نسبت میان هوش مصنوعی و اصول اخلاقی، فقه اسلامی، و حقوق بشر است. توسعه فزاینده سامانه‌های هوشمند، به‌ویژه در بسترهایی نظیر قضاوت دیجیتال، تشخیص چهره، تحلیل کلان‌داده‌ها، و حتی توصیه‌های تصمیم‌گیری حقوقی، ضرورت پرداختن به این پرسش را دوچندان کرده است که آیا این پیشرفت‌ها با حفظ کرامت انسانی، حریم خصوصی، عدالت و آزادی‌های اساسی همراه‌اند یا خیر؟ این موضوع نه تنها در سطح اخلاق عرفی و اصول بین‌المللی حقوق بشر، بلکه در سطح فقه اسلامی نیز محل تأملات عمیق است؛ چرا که نظام حقوقی ایران تا حد زیادی ریشه در آموزه‌های فقهی دارد. هوش مصنوعی می‌تواند در دستان حکومت‌های تمامیت‌خواه ابزاری برای کنترل گسترده اجتماعی، نقض آزادی‌های فردی و رصد غیرمجاز داده‌های خصوصی افراد شود؛ این نگرانی، موضوع «رگولاسیون حقوقی» را در سطح ملی و بین‌المللی با بحران مواجه ساخته است. از جمله پرسش‌های بنیادینی که در فقه اسلامی مطرح می‌شود آن است که آیا می‌توان هوش مصنوعی را به‌عنوان ابزار مشروع و اخلاقی در نظام‌های حقوقی و اجتماعی پذیرفت، یا آن‌که باید محدودیت‌هایی برای آن در نظر گرفت؟ این پژوهش در پی آن است که نشان دهد چالش‌های اخلاقی، حقوق بشری و فقهی در

¹ - Artificial Intelligence

موجود پاسخ روشنی به این مسائل نمی‌دهند و اصولاً بسیاری از حوزه‌های بهره‌برداری از AI هنوز از منظر فقهی تبیین نشده‌اند، این پژوهش با اتخاذ رویکردی تحلیلی-توصیفی، به بررسی ظرفیت‌های نظری موجود در فقه و حقوق برای پاسخ به چالش‌های حقوق بنیادین ناشی از هوش مصنوعی خواهد پرداخت. بدین ترتیب، این مقاله درصدد است ضمن بررسی دقیق زمینه‌های بهره‌گیری از هوش مصنوعی در حوزه حقوق بنیادین، به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

۱. فقه اسلامی در مواجهه با هوش مصنوعی در چه

حوزه‌هایی به چالش می‌افتد؟

۲. تفاوت حقوق بشر اسلامی و عرفی در تنظیم رابطه با

هوش مصنوعی در چیست؟

در واقع، هوش مصنوعی به مثابه کوه یخی است که تنها بخش اندکی از آن در سطح مرئی جامعه شناخته شده و بخش اعظم آن در عمق مفاهیم، چالش‌های حقوقی، و نهادهای اجتماعی نهفته است. بسیاری از متخصصان، ذهن خود را تنها بر بُعد فنی آن متمرکز کرده‌اند و از ظرفیت‌ها و تهدیدهای اجتماعی، حقوقی و فقهی آن غافل مانده‌اند. در این میان، فقه اسلامی می‌تواند با اتکا بر اصولی چون «قاعده لاضرر»، «قاعده نفی سبیل»، و «اصل کرامت انسان»، به تبیین چارچوب‌های مشروع و حمایت‌گر از حقوق بنیادین در بستر فناوری‌های نوین بپردازد.

مبانی و مفاهیم پژوهش

هوش مصنوعی

هوش مصنوعی^۱، در ساده‌ترین تعریف، به توانایی رایانه یا سایر ابزارهای پردازشی گفته می‌شود که همچون یک وجود هوشمند (مانند انسان) می‌تواند یاد بگیرد و مسأله حل کند (Mostafavi Ardabili et al., 2022). پس هوش مصنوعی توانایی فعال شده توسط یک کامپیوتر دیجیتال یا ماشین یا نرم افزار کنترل شده

با کامپیوتر است که ویژگی‌های فکری مانند موجودات هوشمند (انسان) را در عملکرد آن‌ها تکرار می‌کند. عمده محققان و کتاب‌های درسی هوش مصنوعی این رشته را طراحی و توسعه «یک موجودیت کاملاً آگاهانه، هوشمند و مبتنی بر رایانه» تعریف می‌کنند (Mostafavi Ardabili et al., 2022) که دارای مزایای ذاتی نسبت به انسان در درک محیط و به حداکثر رساندن موفقیت در کارهای پیچیده است. جان مک کارتی، که این اصطلاح را در سال ۱۹۵۵ ابداع کرد، هوش مصنوعی را به عنوان «علم و مهندسی ساخت ماشین‌های هوشمند» تعریف می‌کند. لذا غلبه بر «شکندگی» سیستم‌های هوش مصنوعی فعلی و رسیدن به هوش مصنوعی در سطح انسانی، نیازمند برنامه‌هایی است که با وضعیت اطلاعاتی عقل سلیم سروکار دارند (Najafzadeh, 2024). س با این مفهوم می‌توان مصداق و کاربرد هوش مصنوعی را در چشم اندازی چند رشته‌ای تفسیر نمود که از زمان معرفی رایانه‌های دستی در دهه ۱۹۵۰ توسعه و پراکندگی وسیعی داشته است. البته آنچه از کاربرد هوش مصنوعی باید در این مجال بیان کرد، ارتباطی است که این فناوری با فناوری‌های ارتباطی در راستای صلح و امنیت جهانی دارد. پس از میان کاربردهای گسترده این عرصه مبنای ارتباطات و نیز دامنه آن در مسیر صلح و امنیت مد نظر می‌باشد. به هر حال با این نظرگاه، شاید نزدیک‌ترین کاربرد از هوش مصنوعی در این حوزه اکوسیستم هوش مصنوعی باشد. در اکوسیستم هوش مصنوعی، قدرت فناوری به عنوان لایه‌ای از قدرت بین‌المللی، از سایر لایه‌های قدرت تغذیه می‌کند. به عبارت دیگر ساختار سیستم بین‌المللی در آینده به برقراری توازن بین ابعاد مختلف قدرت بین‌المللی بستگی دارد. بر اساس این دیدگاه تعامل بین تحقیق، دانش، نوآوری و فناوری، که همه جایگاه‌های کاربردی هوش مصنوعی هستند، چشم انداز جدیدی در بهره‌وری

¹ - Artificial intelligence (AI)

این معیار، حقوق بنیادین همان حق‌هایی است که وارد حقوق موضوعه گردیده و در قوانین اساسی به رسمیت شناخته شده است. این معیار در نظام‌های حقوقی همچون آلمان و هلند هم پذیرفته شده است. با این پندار حقوق بنیادین؛ قواعدی که ناظر و حاکم بر اساس حکومت و صلاحیت قوای مملکت و حقوق و آزادی‌های فردی است، از نظر ماهوی قانون اساسی نام دارد (Mahdavipour & Bahonar, 2023). قانون اساسی در قبال دیگر قوانین نقش مرجعیت دارد و برتر از سایر قواعد حقوق است. در غالب حکومت‌های آزاد، به خاطر نگهداری اساس حکومت و جلوگیری از تجاوز دولت‌ها به پیمانی که رابط بین آن‌ها و ملت است (Behizdani & Hakimi Nia, 2024)، برای قوانین اساسی احترام و حیثیت خاص قائلند و آن‌ها را امتیاز از سایر قوانین ساخته اند. کشورهایی که نظام سیاسی آن‌ها مبتنی بر جمهوریت است و داعیه آزادی مردم را دارند معمولاً توجه خاصی به آزادیهای عمومی و حقوق بشر دارند و مفاهیم مرتبط با حقوق ملت و پاسداری از منافع مشروع شهروندان، سرلوحه قوانین و مقررات کشورشان می‌باشد (Mahdavipour & Bahonar, 2023).

بحث و بررسی

چالش‌های فقهی بهره‌مندی از هوش مصنوعی در حمایت از حقوق بنیادین افراد

هوش مصنوعی در دهه‌های اخیر به یکی از پدیده‌های انکارناپذیر در علوم مدرن تبدیل شده که در تمامی سطوح زندگی بشری حضور یافته است؛ از امور اقتصادی و امنیتی گرفته تا پزشکی، آموزش، و البته حقوق. این نفوذ همه‌جانبه، فقه اسلامی را نیز با چالشی نوین مواجه ساخته است: آیا بهره‌مندی از هوش مصنوعی، به ویژه در حوزه حمایت از حقوق بنیادین افراد، می‌تواند با اصول و قواعد فقهی همخوانی داشته باشد؟ این پرسش، نقطه آغاز مواجهه فقه اسلامی با فناوری‌های نوین در قرن حاضر است. در

و رقابت ایجاد می‌کند و مفهوم مناطق مرکزی در مدل پیرامون - مرکز روابط بین الملل می‌تواند تغییر کند (Mahmudi, 2014).

حقوق بنیادین افراد

حقوق بنیادین به طور سنتی جزء حقوق عمومی بوده و تنها در مقابل دولت قابل استناد است. حقوق بنیادین به دولت عنوان ابزاری در راستای حمایت از اشخاص خصوصی در مقابل شمرده می‌شود و تصور اعمال این حقوق در روابط خصوصی نیز وجود ندارد؛ حتی برخی حقوق بنیادین و حقوق خصوصی را مثل آب و نفت دانسته اند که کاملاً جدا از هم‌اند و قابلیت تأثیرگذاری بین آن‌ها وجود ندارد (Mehrpour, 2022)، در دهه‌های اخیر حقوق بنیادین از مرزهای حقوق خصوصی عمومی فراتر رفته و وارد حوزه حقوق خصوصی و روابط خصوصی شده است. حقوق بنیادین به عنوان یک حق برتر در روابط خصوصی مورد استناد قرار گیرد؛ به طوری که دادگاه‌ها به ویژه محاکم اروپایی به صورت گسترده با توسل به حقوق بنیادین به مداخله در روابط قراردادی می‌پردازد. در پرتو این رویکرد حقوق بنیادین حقوقی هستند که وجود آن‌ها موجب قوام و نبود آن‌ها موجب زوال شخص و شخصیت انسان می‌گردد (Hashemi, 2021)، امتیاز اصطلاح حقوق بنیادین نسبت به حقوق بشر در این است که بدون نیاز به تفکیک حقوق و آزادیهای بنیادین از یکدیگر و همچنین تفکیک بین نسل‌های مختلف حقوق بشر، تمامی حقوق و آزادی‌های اساسی تضمین شده از سوی قانون اساسی یا مقررات بین المللی را دربر می‌گیرد (Yaqoubi Moqaddam & Naeimi, 2020)، از زمانی که این حقوق به وسیله هنجارهای قانون اساسی و مقررات بین المللی تضمین می‌گردند، وارد گروه نوعی حقوق بنیادین می‌شوند. برای شناسایی حقوق بنیادین دو معیار شکلی و ماهوی ارائه شده است. در مفهوم شکلی، حقوق بنیادین حقوقی هستند که در قوانین اساسی و اسناد بین المللی حقوق بشر تضمین شده‌اند (Navab Daneshmand, 2007). به تعبیر دیگر، برابر

این راستا، باید اذعان کرد که یکی از چالش‌های اصلی در فقه، مسئله مشروعیت بهره‌گیری از هوش مصنوعی به عنوان ابزاری برای اجرای عدالت یا تأمین حقوق بشری است. فقه، بر پایه اصول ثابت و قواعد عام چون قاعده نفی سبیل، قاعده تسلیط، لاضرر، و موارد مشابه، همواره در تلاش برای حفظ کرامت انسانی و جلوگیری از سلطه غیرمشروع بر مسلمین بوده است. حال، در برابر فناوری هوش مصنوعی که ذاتاً بر داده‌پردازی و الگوریتم‌های پیچیده استوار است، این قواعد فقهی باید پاسخگو باشند (Zakerinia & Gholampour, 2024)؛ یکی از مسائل اصلی، ابهام در تعیین تکلیف تکلیفی یا وضعی بهره‌مندی از هوش مصنوعی است. بر اساس دیدگاه بسیاری از فقهای معاصر، به‌کارگیری هوش مصنوعی به‌ویژه در مقام قضاوت، جایز نیست، مگر در صورت حکم حاکم شرع و تحت شرایط خاص. برخی دیگر نیز استفاده از هوش مصنوعی را صرفاً به عنوان «ابزار کمک‌کار» در فرآیند تصمیم‌گیری مشروع می‌دانند، نه به عنوان جایگزین فقیه یا قاضی (Ubudiyat & Sharifi Sadr, 2022). در واقع، هوش مصنوعی در فقه هنوز به رسمیت شناخته نشده و پذیرش آن مستلزم انطباق با ضوابط دینی و قواعد فقهی است. از دیگر چالش‌های بنیادین، مسئله استنادپذیری و اعتبار داده‌ها و استنتاج‌های AI است. در فقه اسلامی، استناد به دلایل معتبر، چون کتاب، سنت، اجماع و عقل، جایگاهی محوری دارد. حال اگر هوش مصنوعی در استنتاج حکم شرعی دخیل شود، پرسش این است که آیا منطق الگوریتمی آن می‌تواند به مثابه «عقل» یا «اجتهاد» پذیرفته شود یا خیر؟ این موضوع به‌ویژه در فقه سنتی که استنباط را فرایندی انسانی و مبتنی بر تقوا و علم می‌داند، محل مناقشه است (Najafzadeh, 2024). چالش دیگر، مربوط به تناقض میان پیش‌بینی‌ناپذیری رویدادهای انسانی و پیش‌فرض‌های قطعی در الگوریتم‌های AI است. فقه بر پایه درک تدریجی از سنت‌های الهی و ارتباط علت و معلولی در وقایع عمل می‌کند. اما

در هوش مصنوعی، بسیاری از تصمیمات و خروجی‌ها مبتنی بر یادگیری ماشینی و داده‌های آماری است. به‌همین دلیل، ایجاد توازن بین «استنتاج آماری» و «استنباط شرعی» امری دشوار می‌نماید. نکته قابل توجه دیگر، قابلیت تعمیم‌پذیری اصول فقهی به فناوری‌های نوظهور است. برخی از اصول فقهی مانند قاعده مصلحت، از ظرفیت بیشتری برای پذیرش ابزارهای نوین مانند AI برخوردارند. فقیه می‌تواند با ارجاع به مصالح عامه و نیازهای اجتماعی، برخی از کارکردهای هوش مصنوعی را مشروعیت بخشد. این نگاه در رویکرد فقه حکومتی قابل درک است، جایی که اولویت با منافع جمعی و حاکمیت اسلامی است. با این حال، برخی دیگر از فقها به دلیل نگرش احتیاطی نسبت به نوآوری‌های فناورانه، نگاه سخت‌گیرانه‌ای دارند و هوش مصنوعی را به عنوان تهدیدی علیه ارزش‌های دینی می‌پندارند. در همین زمینه، فقه در برابر تحدید داده‌های خام یا پنهان‌ماندن منابع اطلاعاتی نیز دچار چالش است. در فقه اسلامی، اعتماد به منبع خبر و داده از اهمیت بالایی برخوردار است. حال اگر الگوریتم‌های AI بر اساس داده‌هایی تصمیم‌گیری کنند که منشأ آن‌ها برای انسان قابل شناسایی یا ارزیابی نباشد، آیا می‌توان به آن اعتماد کرد؟ این مسئله به‌ویژه در حوزه‌هایی چون صدور فتوا، قضاوت، یا ارزیابی شرعی، چالش‌آفرین است (Tabatabaei & Binesh Behnia, 2022). برخی فقها پیشنهاد کرده‌اند که باید هوش مصنوعی را در حد ابزار مشورتی و نه تصمیم‌گیرنده نهایی تلقی کرد. به عبارت دیگر، خروجی‌های آن باید در کنار اجتهاد انسانی قرار گیرد، نه جایگزین آن. این دیدگاه، بیشتر با اصول فقه اسلامی منطبق است که «عقل انسان» را - مشروط بر شروط خاص - دارای حجیت می‌داند، اما نه هر عقل غیرشخصی و الگوریتمی را. در نهایت، مهم‌ترین چالش فقهی در بهره‌گیری از هوش مصنوعی، ضرورت بازتعریف مفاهیم کلیدی در فقه برای پاسخ به مسائل نوپدید است. مسائلی مانند حریم خصوصی، نظارت هوشمند، بی‌کاری ناشی از

فضای کنونی، هوش مصنوعی قادر است متون گسترده روایی، فقهی و اصولی را دسته‌بندی، تحلیل و تطبیق داده و حتی الگوهای فقهی را استخراج کند. با این حال، اصلی‌ترین چالش در این حوزه، «ماهیت انسان‌محور اجتهاد» است. در فقه شیعه، اجتهاد نه یک مهارت صرف، بلکه یک مسئولیت اخلاقی-الهی است که مستلزم شرایط خاصی چون تقوا، عدالت، قدرت استنباط و شناخت عمیق از سنت و قرآن است. از این رو، حتی اگر AI توان پردازش و تطبیق فقهی داشته باشد، عدم دارا بودن ملکه اجتهاد (در معنای فقهی آن) موجب عدم کفایت آن برای صدور حکم شرعی است. نکته دوم، تفاوت بنیادین میان «فهم تحلیلی ماشینی» و «فهم تأملی انسانی» است. الگوریتم‌ها توانایی تحلیل بر اساس داده‌های آماری و منطقی را دارند، اما از درک مقاصد شریعت (مقاصد الشریعه) و مصالح مرسله - که بنیان بسیاری از احکام فقهی است - عاجزند. مقاصد شریعت همچون حفظ دین، جان، عقل، نسل و مال، در موارد بسیاری راهگشای فقهاء برای ترجیح یک حکم بر حکم دیگر بوده‌اند، که این امر در سامانه‌های فاقد درک زمینه‌ای و فلسفی جایگاهی ندارد. با این حال، برخی از فقیهان و اندیشمندان معاصر از امکان بهره‌گیری محدود از هوش مصنوعی در فرآیند اجتهاد پشتیبانی کرده‌اند. به‌ویژه در حوزه‌هایی مانند:

- سازمان‌دهی منابع فقهی؛
- بازیابی سریع آیات و روایات مرتبط با موضوع؛
- تحلیل مقایسه‌ای اقوال فقهاء؛
- پیشنهادات تفسیری در حوزه زبان‌شناسی فقهی

این استفاده‌ها، به شرط آن‌که جایگزین قضاوت انسانی نشوند و صرفاً نقش ابزار مشورتی ایفا کنند، می‌توانند بخشی از کارایی فرآیند اجتهاد را ارتقا دهند. در واقع، همان‌گونه که علوم اصول فقه، قواعد و منطق استنباط را صورت‌بندی کردند، می‌توان ابزارهای دیجیتال را نیز به عنوان تسهیل‌گر تحلیل فقهی در نظر گرفت، نه به عنوان مرجع استنباط. در مقابل، مخالفان ورود هوش

اتوماسیون، امنیت داده‌ها، و حتی دستکاری ژنتیکی، همگی مسائلی‌اند که نیازمند اجتهادی نوین و نگاهی مسئله‌محور در فقه هستند (Mohaghegh Damad, 2024). بدون چنین بازتعریفی، فقه نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای جوامع اسلامی در مواجهه با فناوری‌های پیشرفته باشد. در مجموع، می‌توان گفت که فقه اسلامی در مواجهه با هوش مصنوعی، با چالش‌هایی چون مشروعیت ابزار بودن AI، مبنای استنباط داده‌محور، تعارض با اصول فقهی سنتی، و فقدان دیدگاه اجماعی در میان فقهاء روبرو است. با این حال، ظرفیت‌های درونی فقه مانند اجتهاد پویا، مصلحت‌اندیشی، و اصول عام همچنان این امکان را فراهم می‌کنند که پاسخ‌هایی نو و متناسب با عصر دیجیتال ارائه شود. البته این امر مستلزم تلاش مشترک فقیهان، متخصصان فناوری، و حقوق‌دانان است تا با استفاده از منابع اصیل اسلامی، بهره‌مندی از هوش مصنوعی را در جهت حمایت از حقوق بنیادین افراد مشروعیت‌بخشی کنند (Tabatabaei & Binesh Behnia, 2022).

استنباط و درک احکام شرعی با استفاده از هوش مصنوعی: چالش‌ها و ظرفیت‌ها

استنباط احکام شرعی، از دیرباز در فقه اسلامی فرآیندی پیچیده و ناظر به اجتهاد انسانی بوده است. این فرآیند، که بر پایه منابع اربعه (قرآن، سنت، عقل و اجماع) شکل می‌گیرد، همواره به‌مثابه جلوه‌ای از عقلانیت اسلامی و تعامل فرد فقیه با نصوص دینی تلقی شده است. در این میان، پرسش نوینی مطرح شده است: آیا هوش مصنوعی می‌تواند در فرآیند استنباط احکام شرعی نقشی ایفا کند؟ اگر بله، این نقش تا چه حد قابل‌پذیرش و مشروع از دیدگاه فقهی است؟ هوش مصنوعی به‌ویژه در شاخه‌هایی مانند «یادگیری ماشین» و «پردازش زبان طبیعی» توانسته است به درجه‌ای از فهم متون و استخراج قواعد برسد که برای برخی این سؤال را پیش آورده که آیا می‌توان بخشی از اجتهاد را به الگوریتم‌ها سپرد؟ در

مصنوعی به فرآیند اجتهاد، بر قاعده «عدم تمکین غیرمکلف به احکام شرعی» تأکید دارند. در این نگاه، هوش مصنوعی به عنوان موجودی فاقد اختیار و تکلیف، نمی‌تواند درک مسئولانه‌ای از احکام الهی داشته باشد. از نظر ایشان، استفاده از سامانه‌های AI در استنباط فقهی به مثابه واگذاری حوزه تشریع به غیر انسان بوده و خلاف اصل عقلایی بودن دین است (Najafzadeh, 2024).

یکی دیگر از چالش‌ها، ابهام در اعتبارسنجی داده‌هایی است که AI بر پایه آن تحلیل می‌کند. در فقه، مرجع بودن منابع معتبر مانند صحاح سته یا اصول اربعه، مورد وفاق است. اما اگر الگوریتم بر اساس داده‌هایی ناقص یا مشکوک، تصمیم استنباطی بگیرد، آیا چنین حکمی قابل اعتماد است؟ این امر از آنجا اهمیت دارد که هوش مصنوعی گاه به الگوهایی استناد می‌کند که برای انسان حتی قابل مشاهده یا ارزیابی نیستند. از دیدگاه فقه حکومتی نیز، موضوع استفاده از AI در استنباط می‌تواند ابعاد امنیتی و سیاست‌گذاری دینی پیدا کند. اگر هوش مصنوعی بتواند فتاوی‌ای خاصی را شناسایی، بازتولید یا ترویج کند، این ابزار به راحتی می‌تواند توسط دولت‌ها یا گروه‌های خاص برای پیشبرد ایدئولوژی یا فقه حکومتی استفاده شود. این امر، می‌تواند استقلال فقهت را تهدید کرده و فقه را از کارکرد اجتهادی به ابزار حاکمیتی تبدیل کند (Behizdani & Hakimi Nia, 2024). با این وجود،

فرصت‌هایی نیز در این مسیر قابل شناسایی‌اند. به‌ویژه در حوزه‌هایی چون فقه‌الحاسوب، فقه معاملات مدرن، مسائل پزشکی نوین (همچون اهدای عضو، ژنتیک، شبیه‌سازی)، استفاده از ابزارهای دیجیتال در تحلیل فقهی می‌تواند روند پاسخگویی به مسائل مستحدثه را تسریع کند. این امر به‌ویژه برای فقه‌های ناظر به جامعه مدرن (فقه مقارن، فقه تطبیقی، فقه سیاسی) اهمیت دوچندان دارد (Khodamoradi & Ghourchibeigi, 2021)، در نهایت، می‌توان چنین نتیجه گرفت که استفاده از هوش مصنوعی در استنباط احکام شرعی، در صورت رعایت حدود و

قیود فقهی و پذیرش نقش ابزاری آن، می‌تواند به تسهیل فرآیند اجتهاد یاری رساند. اما جایگزینی آن با فقیه، نه از نظر اصول فقه، نه از منظر اخلاق اسلامی، و نه از دیدگاه فلسفه اجتهاد قابل قبول نیست. اجتهاد، همواره عرصه‌ای برای تعامل عقل انسانی با اراده الهی بوده است، و هیچ ماشینی هرگز نمی‌تواند معنای تقوا، نیت، یا مصلحت را چون یک انسان مؤمن و مجتهد درک کند (Rabieizadeh, 2021).

چالش‌های فقهی نسل سوم و چهارم حقوق بشر در دوره هوش مصنوعی

تحولات فناورانه در قرن بیست‌ویکم، به‌ویژه در زمینه هوش مصنوعی (AI)، موجب بازتعریف بسیاری از مفاهیم بنیادین حقوق بشر شده است. اگرچه در گذشته، حقوق بشر بیشتر در چارچوب نسل اول (حقوق مدنی و سیاسی) و نسل دوم (حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) بررسی می‌شد، اکنون نسل سوم و چهارم حقوق بشر نیز در محوریت مباحث علمی و حقوقی قرار گرفته‌اند؛ از جمله حق بر توسعه پایدار، حق بر محیط‌زیست سالم، حق بر اطلاعات، حق بر داده‌های زیستی و ژنتیکی، و حق بر حریم خصوصی دیجیتال. در این میان، فقه اسلامی با چالش‌هایی نوظهور مواجه شده است که ضرورت بازخوانی و اجتهاد در حوزه مفاهیم نوپدید را ایجاب می‌کند (Saeid & Mehrdar Ghaem, 2022)، هوش مصنوعی، با قدرت پردازش کلان‌داده‌ها، تحلیل الگوهای رفتاری، و دخالت در تصمیم‌گیری‌های حیاتی، نه تنها می‌تواند موجبات نقض این حقوق نوین را فراهم آورد، بلکه ماهیت و حدود آن‌ها را نیز دگرگون می‌سازد. این دگرگونی، پرسش‌های فقهی متعددی ایجاد کرده است که مستلزم واکاوی عمیق در منابع دینی و اصول فقهی است. نخستین چالش، مسئله حریم خصوصی دیجیتال در مواجهه با هوش مصنوعی است. از منظر فقه اسلامی، کرامت انسان جایگاه محوری دارد و تجاوز به حریم خصوصی افراد، حتی بدون اطلاع، مشمول عنوان «تجسس»

خواهد شد. برای مثال، الگوریتم‌های ناعادلانه می‌توانند اقلیت‌ها را نادیده بگیرند یا الگوهایی نژادپرستانه یا جنسیت‌زده بازتولید کنند. این در حالی است که فقه اسلامی همواره بر عدالت به عنوان اصل بنیادین تأکید دارد «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ...» (نحل، ۹۰) مسئله دیگری که از منظر فقهی قابل توجه است، حق بر اختیار و تصمیم‌گیری آزاد در مواجهه با AI است. چنانچه فناوری‌های هوشمند به گونه‌ای طراحی شوند که انتخاب‌های انسانی را محدود کنند - مانند فیلترهای رفتاری، پیشنهاد‌های الگوریتمی بدون گزینه جایگزین، یا هدایت روان‌شناختی مبتنی بر داده‌های رفتاری - این اقدام از منظر فقهی می‌تواند مشمول عنوان «سلب اختیار» یا «غش در معامله» قرار گیرد. فقه اسلامی بر اصالت اراده و رضایت در تمام تصمیم‌گیری‌ها تأکید دارد و هرگونه نقض این اصل، موجب بطلان فعل حقوقی می‌شود. در کنار این چالش‌ها، باید به ابعاد ایجابی فقه اسلامی در حمایت از حقوق نسل سوم و چهارم در بستر AI نیز اشاره کرد. فقه، به‌ویژه با تکیه بر قواعد عام همچون «قاعده ملازمه»، «قاعده حرمت اضرار»، و «قاعده عدالت»، می‌تواند پشتیبان حقوق نوپدید انسان‌ها در عصر دیجیتال باشد. اگرچه این مفاهیم در فقه سنتی نهادینه نشده‌اند، اما ظرفیت تفسیری فقه حکومتی و اجتهاد تمدنی می‌تواند راهگشای تبیین حقوق دیجیتال در بستر شریعت باشد. به عنوان نمونه، حق بر محیط زیست سالم، در فقه سنتی به صورت پراکنده در ابواب طهارت، انفال، و احکام زکات مطرح شده است، اما امروز با توسعه AI در مدیریت منابع، تحلیل زیست‌محیطی، و تخصیص انرژی، این حق به صورت مستقیم به فناوری گره خورده است. از این رو، ضرورت دارد فقه اسلامی با رویکردی نوین، مفاهیمی مانند «عدالت زیست‌محیطی» یا «مسئولیت زیست‌فناورانه» را بازخوانی و تبیین کند. در نهایت، چالش اصلی فقه در مواجهه با حقوق نسل سوم و چهارم، نه در اصل مشروعیت این حقوق، بلکه در فقدان زبان مشترک فقهی و فناورانه برای گفت‌وگو با مفاهیم نوین است. تا زمانی که مفاهیمی

و «حرام» قرار می‌گیرد. در قرآن آمده است: «وَلَا تَجَسَّسُوا...» (حجرات، ۱۲). حال آنکه بسیاری از سیستم‌های مبتنی بر AI، بدون اطلاع افراد، داده‌های آنان را ذخیره، تحلیل و گاه در اختیار اشخاص یا نهادهای ثالث قرار می‌دهند. این مسئله، نه تنها یک چالش اخلاقی، بلکه مسئله‌ای فقهی و حتی سیاسی نیز تلقی می‌شود. چالش دوم، حق بر اطلاعات و شفافیت الگوریتمی است. در فناوری‌های AI، بسیاری از تصمیمات - از استخدام گرفته تا پذیرش در دانشگاه یا حتی تشخیص جرم - بر اساس الگوریتم‌هایی اتخاذ می‌شوند که منشأ و منطق آن‌ها برای کاربر عادی قابل فهم نیست. این «جعبه سیاه الگوریتمی» نه تنها موجب سلب اختیار فردی می‌شود، بلکه با اصل فقهی حجیت علم شخصی نیز در تعارض است؛ چراکه فرد نمی‌تواند نسبت به دلایل اتخاذ تصمیم آگاهی یابد و در صورت تظلم، امکان استناد مؤثر ندارد. از سوی دیگر، فقه اسلامی بر پایه «علم اجمالی» و «علم تفصیلی» در فرآیند استنباط احکام تأکید دارد؛ بنابراین تصمیماتی که از منطق شفاف و قابل بررسی بی‌بهره‌اند، نه تنها نمی‌توانند مستند فقهی قرار گیرند، بلکه مشروعیت آن‌ها از منظر عدالت نیز مخدوش است. چالش سوم، حق بر تمامیت داده‌های زیستی است. یکی از حوزه‌های در حال گسترش در AI، حوزه زیست‌فناوری و ژنتیک است. جمع‌آوری داده‌های ژنتیکی و تحلیل‌های مبتنی بر AI در حوزه سلامت، چالش‌های جدی اخلاقی و فقهی ایجاد کرده‌اند. آیا نگهداری یا اشتراک‌گذاری داده‌های زیستی افراد بدون رضایت آنان جایز است؟ از دیدگاه فقهی، این امر می‌تواند نقض «حق بر بدن» و «مالکیت معنوی» تلقی شود، و ممکن است حتی در برخی موارد، موجب تضرر آتی شود که مشمول قاعده لاضرر می‌گردد. چالش چهارم، حق بر توسعه اخلاق‌مدار و عدالت دیجیتال است. بسیاری از پژوهشگران معتقدند که توسعه AI، اگر بدون لحاظ کردن ارزش‌های اخلاقی و فقهی صورت گیرد، به جای ارتقاء عدالت اجتماعی، موجب تبعیض، نابرابری و سلطه دیجیتال

چون داده، الگوریتم، یادگیری ماشینی، یا سوگیری الگوریتمی در زبان اصول فقه و فقه تطبیق نیابند، امکان نظریه پردازی دقیق فقهی در این حوزه وجود نخواهد داشت.

نتیجه گیری

مطالعه حاضر نشان داد که چالش های فقهی در بهره گیری از هوش مصنوعی، چند بعدی و پیچیده اند. از یک سو، فقه اسلامی از پشتوانه ای غنی از قواعد عام همچون «لاضرر»، «نهی سبیل»، «تسلیط»، «مصلحت» و «عدالت» برخوردار است که در صورت تفسیر پویا، می توانند بستری مفهومی برای انطباق هوش مصنوعی با موازین شرعی فراهم سازند. اما از سوی دیگر، بدنه سنتی فقه به دلیل شکل گیری در شرایط تاریخی پیشافناوری، برای مواجهه با مسائل نوپدید چون الگوریتم، داده های بزرگ، یادگیری ماشینی و مسئولیت غیرشخصی، با خلأهای نظری و ابزاری مواجه است. یکی از چالش های کلیدی، تعیین نسبت اجتهاد انسانی با پردازش های هوشمند غیرانسانی است. فقه شیعه اجتهاد را فرآیندی انسانی، الهی و مسئولانه می داند که مستلزم ملکه اجتهاد، عدالت، و درک مقاصد شریعت است. در مقابل، هوش مصنوعی فاقد قصد، نیت، و مسئولیت پذیری است. اگرچه می توان از ظرفیت های فنی هوش مصنوعی برای تسهیل تحلیل متون دینی، سازمان دهی آراء و تفسیر مفهومی بهره برد، اما جایگزینی آن با قضاوت یا استنباط فقیه، نه تنها غیرموجه، بلکه از دیدگاه اصول فقه، نارواست. در واقع، بهره گیری از AI باید در حد ابزار مشورتی باقی بماند و از مرز دخالت در تصمیم سازی های شرعی عبور نکند. چالش دوم، ماهیت داده محور هوش مصنوعی در برابر معیارهای حجیت در فقه است. بسیاری از الگوریتم های AI مبتنی بر تحلیل آماری، احتمال و یادگیری تجربی هستند. این روش ها با معیارهای سنتی فقه، همچون علم اجمالی، علم تفصیلی، و حجیت خبر ثقه تفاوت بنیادین دارند. به علاوه، عدم شفافیت الگوریتمی، که با عنوان «جعبه سیاه هوش مصنوعی» شناخته می شود، موجب

کاهش قابلیت استناد در نظام فقهی می گردد. در فقه، هر فتوا یا حکم باید مستند به دلیل روشن و معتبر باشد؛ حال آن که خروجی بسیاری از مدل های یادگیرنده بر پایه روابط آماری و غیرقابل تحلیل برای انسان است.

در حوزه حقوق بنیادین نسل سوم و چهارم، از جمله حق بر حریم خصوصی دیجیتال، حق بر داده های زیستی، حق بر تصمیم گیری آزاد، و حق بر عدالت الگوریتمی، فقه با چالش دوگانه ای روبه روست: از یک سو، مفاهیم یادشده هنوز در قالب های اصطلاحی و مفهومی فقه کلاسیک تعریف نشده اند، و از سوی دیگر، پیامدهای عملی و اجتماعی فناوری های جدید بر این حقوق، روزبه روز افزایش می یابد. پژوهش حاضر نشان داد که هوش مصنوعی می تواند کرامت انسان، اختیار فردی، و حریم اطلاعاتی افراد را به خطر اندازد. از این رو، فقه باید با تکیه بر اصول عام، به بازخوانی مفاهیم نوین در بستر مبانی خود بپردازد. مفهومی مانند «حق بر بدن» که در فقه بیشتر با مقولاتی چون قصاص، دیه یا حرمت ایذاء مطرح شده بود، امروزه در قالب حفاظت از داده های ژنتیکی، داده کاوی سلامت و تحلیل زیستی از طریق AI جلوه جدیدی یافته است. همین طور اصل عدالت در فقه که همواره در حوزه قضاوت و معاملات کاربرد داشته، اکنون باید بر سامانه های تصمیم گیری ماشینی و الگوریتم های قضاوت محور نیز اعمال گردد. این تحولات، نشان می دهد که فقه سنتی نیازمند ورود به لایه های فناوری زده جدید است، بدون آن که اصول خود را نادیده گیرد. از دیگر دستاوردهای پژوهش آن است که بهره گیری از هوش مصنوعی می تواند به عنوان ابزاری در تقویت فرآیند اجرای حقوق بشر و شهروندی در جوامع اسلامی عمل کند، به شرط آن که ضوابط شرعی، اخلاقی و حقوقی بر آن حاکم باشد. برای مثال، شفاف سازی سازوکارهای تصمیم گیری هوش مصنوعی، ایجاد نظام پاسخگویی شرعی در برابر خطاهای AI، حفظ کرامت اطلاعات شخصی، و تضمین عدالت توزیعی در

دهند یا دچار سوءبرداشت و مصادره به مطلوب فناوریانه شوند. این در حالی است که با توسعه فقه الحاسوب، فقه حقوق دیجیتال، و فقه سیاسی نوین، می‌توان آینده‌ای فعالانه‌تر برای فقه در حکمرانی داده‌ها و فناوری‌های نوین ترسیم کرد. در پایان باید تأکید کرد که هوش مصنوعی، با همه ظرفیت‌ها و تهدیدهای خود، همچون ابزاری خنثی است که بسته به نوع تنظیم، نظارت، و استفاده می‌تواند مفید یا مضر باشد. در این میان، فقه اسلامی اگر بتواند با حفظ اصول، به بازتعریف مفاهیم و قواعد خود در برابر این تحولات بپردازد، نه تنها منفعل نخواهد ماند، بلکه می‌تواند الگوی الهام‌بخشی برای جهان اسلام و حتی فراتر از آن ارائه دهد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

Artificial intelligence (AI) has emerged as one of the defining technological innovations of the twenty-first century, reshaping the structures of modern civilization and prompting profound ethical, legal, and jurisprudential questions. As AI becomes more deeply embedded in human life, it increasingly affects the core of individual rights, privacy, and human dignity. The rapid expansion of algorithmic systems in governance, healthcare, law, and commerce raises a fundamental dilemma: can AI evolve in harmony with human rights and Islamic jurisprudence, or does it inherently threaten them? The jurisprudential encounter with AI is unprecedented, given that classical Islamic law was formulated in a pre-technological context and relies heavily on human agency and moral reasoning. Yet, the flexibility of dynamic jurisprudence (*fiqh-e-poya*) and general jurisprudential principles such as *la darar* (no harm), *taslit* (authority over

بهره‌مندی از خدمات مبتنی بر هوش مصنوعی، همگی می‌توانند از رهگذر فقه اسلامی معنا یابند، همچنین روشن شد که حقوق بشر اسلامی با وجود تفاوت‌های معرفت‌شناختی با حقوق بشر عرفی، ظرفیت بالایی برای مواجهه با AI دارد؛ چرا که در نظام اسلامی، کرامت انسان اصل ثابت و تغییرناپذیر است و بهره‌گیری از ابزارها تنها تا جایی مشروعیت دارد که این کرامت را نقض نکند. برخلاف برخی نظام‌های عرفی که برای توسعه فناوری، اصول اخلاقی را به حاشیه می‌رانند، فقه اسلامی هرگز توسعه را بدون توجیه اخلاقی و مشروعیت الهی نمی‌پذیرد. همین ویژگی، امکان ارائه الگویی بدیل در حکمرانی فناوری را از منظر فقه اسلامی فراهم می‌سازد. از منظر کاربردی، این نتیجه نیز حاصل شد که نقش فقیهان و مجتهدان در سیاست‌گذاری کلان در عرصه AI حیاتی است. چنانچه حوزه اجتهاد نسبت به تحولات دیجیتال بی‌تفاوت بماند، خطر آن وجود دارد که قواعد شرعی یا کارکرد خود را از دست

property), and *maslahah* (public interest) offer tools for reconciling innovation with religious legitimacy. The discussion begins by defining AI as a digital intelligence capable of replicating human reasoning, learning, and decision-making processes (Mostafavi Ardabili et al., 2022). John McCarthy's definition of AI as the "science and engineering of making intelligent machines" encapsulates this concept's technical and ethical duality. Scholars have noted that overcoming the "fragility" of current AI systems to achieve human-level intelligence requires engagement with commonsense reasoning (Najafzadeh, 2024). From a global perspective, AI technology functions as a layer of international power, interlinked with research, knowledge, innovation, and technology, influencing the structure of international relations (Mahmudi, 2014). Consequently, the jurisprudential analysis of AI is not only a religious concern but a strategic one that affects peace, justice,

and the balance of authority between humans and machines.

Fundamental rights have traditionally been conceived within public law as mechanisms for protecting individuals from the excesses of state power. However, in contemporary legal systems, these rights increasingly extend into private relations, as courts—particularly in Europe—invoke fundamental rights to reinterpret contractual obligations and individual liberties (Mehrpour, 2022). Fundamental rights are those whose presence guarantees the very existence of human personality, and their absence results in its erosion (Hashemi, 2021). These rights transcend distinctions between civil and political, or economic and cultural, generations of human rights (Yaqoubi Moqaddam & Naeimi, 2020). From a formal perspective, fundamental rights are those enshrined in constitutions and international human-rights instruments (Navab Daneshmand, 2007). Substantively, they embody the supremacy of constitutional principles that govern state powers and individual freedoms (Mahdavi-pour & Bamonar, 2023). In republican systems, the sanctity of constitutional norms is paramount in safeguarding liberty, preventing governmental transgression, and ensuring citizens' legitimate interests (Behzadani & Hakimi Nia, 2024). The question thus arises: when AI operates within legal, administrative, or economic systems, can it respect or even enforce these rights, or will its algorithmic nature distort them? This tension becomes central in Islamic jurisprudence, where dignity (*karamat al-insan*) and freedom are divine endowments that cannot be subordinated to artificial mechanisms.

The jurisprudential challenges of employing AI in protecting fundamental human rights are multidimensional. First, there is the problem of legitimacy: can AI serve as a legitimate tool of justice under Islamic law? Islamic

jurisprudence has long relied on immutable principles such as *la darar* (no harm), *taslit* (authority over one's property), and *nafty al-sabil* (denial of unjust domination). These principles guard against illegitimate control over Muslims and ensure fairness and autonomy (Zakerinia & Gholampour, 2024). Yet, the use of AI—especially in judicial or administrative decision-making—introduces opacity, probabilistic reasoning, and data dependency, which may conflict with the evidentiary and rational foundations of *fiqh*. Scholars such as (Ubudiyat & Sharifi Sadr, 2022) emphasize that AI may only act as an auxiliary tool in judgment, not as a substitute for the qualified jurist (*faqih*) or judge. Another issue concerns the evidentiary status of algorithmic conclusions. Islamic law recognizes sources such as the Qur'an, Sunnah, consensus, and reason (*aqal*). Can the reasoning of a machine be equated with human intellect? The algorithm's logic, though sophisticated, lacks moral intentionality and cannot emulate the ethical consciousness required for *ijtihad* (Najafzadeh, 2024). Additionally, the reliability of AI's data sources presents a major problem. If AI decisions are based on opaque or unverifiable data, their jurisprudential credibility collapses (Tabatabaei & Binesh Behnia, 2022). Finally, the necessity of redefining key *fiqh* concepts—such as privacy, responsibility, and harm—under modern technological realities has become urgent (Mohaghegh Damad, 2024). Despite these challenges, the internal mechanisms of *fiqh*, including dynamic reasoning, collective benefit, and jurisprudential analogy, hold the potential to regulate AI ethically within the Islamic legal system.

The integration of AI into the process of deriving religious rulings (*istinbat al-ahkam al-shar'iyya*) introduces both opportunities and constraints. Historically, *ijtihad* in Shi'a jurisprudence has been a deeply human,

moral, and intellectual endeavor, dependent on piety, justice, and profound engagement with sacred texts. AI's capabilities in natural language processing and machine learning have enabled it to categorize and analyze vast corpora of hadith and jurisprudential sources, prompting debates on whether algorithmic reasoning could support or even replicate parts of *ijtihad*. However, the essential human nature of *ijtihad* makes full automation impossible. AI lacks the ethical responsibility (*taklif*), intention (*niyyah*), and spiritual awareness that define legitimate legal reasoning (Najafzadeh, 2024). Still, AI can serve as a powerful research assistant—organizing sources, retrieving related Qur'anic verses or traditions, and offering comparative analyses of juristic opinions. The cautionary stance in *fiqh* emphasizes that such tools must remain advisory, not authoritative. Moreover, from the perspective of governmental jurisprudence (*fiqh-e-hokumati*), the political implications of AI-based reasoning are significant. If states deploy AI to generate or disseminate specific fatwas, the independence of jurisprudence may be compromised (Behizdani & Hakimi Nia, 2024). Yet, in applied fields such as computer ethics (*fiqh al-hasab*), modern transactions, biomedical issues like organ donation and genetics, AI can accelerate the resolution of emergent questions (Khodamoradi & Ghourchibeigi, 2021). Thus, when bound by jurisprudential discipline, AI can function as a facilitator of *ijtihad*, though never as its replacement. As (Rabieizadeh, 2021) notes, no machine can comprehend piety, intention, or divine purpose as a faithful jurist does.

A further dimension involves the third and fourth generations of human rights in the AI era. These encompass the right to a healthy environment, sustainable development, information access, digital privacy, and control over genetic data (Saeid & Mehrdar Ghaem, 2022). AI's capacity to process massive

datasets and influence human decision-making threatens these emerging rights. For instance, AI systems that collect and analyze personal data without consent violate the Qur'anic prohibition against spying: "*wa la tajassasu*" (Do not spy, Qur'an 49:12). The opacity of algorithmic decision-making—where individuals cannot understand or challenge the logic behind outcomes like hiring, education, or criminal sentencing—contradicts the jurisprudential requirement of knowledge and transparency. Furthermore, AI's role in bioinformatics and genetic engineering raises questions regarding ownership and sanctity of biological data, potentially breaching the jurisprudential rule of *no harm* (*la darar*). The principle of justice (*adl*) also becomes relevant, as biased algorithms can reproduce discrimination, violating the Qur'anic command "*Inna Allah ya'muru bil-adl*" (God commands justice, Qur'an 16:90). Islamic law emphasizes consent and autonomy in all legal acts; thus, AI systems that manipulate or limit human choice through behavioral predictions or psychological profiling may amount to "deception in transaction" (*ghishh fi al-mu'amala*). Nonetheless, *fiqh* also possesses constructive capacities: through general rules such as *mulasama* (coherence), *hurmat al-idrar* (prohibition of harm), and *adl*, it can articulate a framework for digital rights within Islamic ethics. By reinterpreting classical notions—such as property, bodily rights, and environmental stewardship—*fiqh* can expand its protective reach into the digital realm.

Ultimately, the study concludes that the jurisprudential challenges of AI are as intricate as the technology itself. Islamic law's foundational principles—justice, harm prevention, human dignity, and accountability—provide a robust moral architecture for guiding AI toward ethical legitimacy. However, the historical structure of traditional *fiqh* lacks the methodological

tools to address nonhuman decision-making, algorithmic opacity, and probabilistic reasoning. The key lies in redefining jurisprudential engagement: AI should remain a consultative instrument, not an autonomous authority. The preservation of human *ijtihad* as the moral compass of legal reasoning ensures that technology serves humanity rather than subjugates it. Furthermore, the third and fourth generations of fundamental rights—digital privacy, informational self-determination, bio-data integrity, and algorithmic fairness—require active reinterpretation through Islamic principles. If properly aligned, *fiqh* can transform AI from a potential violator into a guardian of human dignity. This paradigm of “jurisprudential governance of technology” illustrates how Islamic legal thought, rooted in timeless values yet adaptable through dynamic interpretation, can provide an alternative framework for regulating AI in both Muslim societies and global discourse.

References

- Behizdani, H., & Hakimi Nia, M. (2024). Identifying the Challenges and Opportunities of Employing Artificial Intelligence in Human Resource Management: A Meta-Synthesis Approach. *Bimonthly Journal of Sustainable Human Management*, 6(10).
- Hashemi, M. (2021). *Human Rights and Fundamental Freedoms*.
- Khodamoradi, R., & Ghourchibeigi, M. (2021). The Relationship Between Ethics and Fundamental Rights of Individuals in Iran's Criminal System. *Ethics in Science and Technology*, 16(3).
- Mahdavi pour, H., & Bakhonar, N. (2023). Implications of Jurisprudential Rules for Cyberspace Policy-Making. *Bimonthly Journal of Media Jurisprudence and Law Studies*, 5(1 (11)).
- Mahmudi, A. (2014). *Law of Technology Transfer Contracts*.
- Mehrpour, H. (2022). *The International Human Rights System*.
- Mohaghegh Damad, M. (2024). *Rules of Jurisprudence, Civil Section*.
- Mostafavi Ardabili, M. M., Taghizadeh Ansari, M., & Rahmati Far, S. (2022). Functions and Requirements of Artificial Intelligence from the Perspective of Fair Trial. *Bimonthly Journal of New Technologies Law*, 3(6).
- Najafzadeh, S. (2024). The Use of Artificial Intelligence for Educational Management: Challenges and Opportunities. *Quarterly Journal of Management Research and Development*, 1(4 (4)).
- Navab Daneshmand, F. (2007). Review of Some Methods of Human Rights Education. *Legal Journal*, 4(37).
- Rabieizadeh, A. (2021). Application of Artificial Intelligence in Islamic Sciences Research. *Rahavard-e-Noor Journal*, 20(75 (Serial 92)).
- Saeid, G., & Mehrdar Ghaem, M. (2022). Feasibility of Protecting Algorithms Used in Artificial Intelligence Under Copyright: A Comparative Study in the European Union and the United States. *Legal Research Journal*, 25(100).
- Tabatabaei, F., & Binesh Behnia, E. (2022). The Taklifi Ruling (Obligatory Law) for Using Artificial Intelligence as a Judge from the Perspective of Imami Jurisprudence. *Journal of Islamic Law*, 19(75).
- Ubudiyat, E., & Sharifi Sadr, M. (2022). Strategies for Protecting Three Generations of Human Rights in Light of the Emergence of Artificial Intelligence Technology. *Quarterly Journal of International Studies*, 19(3 (75)).
- Yaqoubi Moqaddam, A., & Naeimi, A. (2020). Review of Taklifi and Wad'i Rulings in the Iranian Legal System. *Bimonthly Research Journal of Ahrar Private Law*, 1(2).
- Zakerinia, H., & Gholampour, Z. (2024). Reasonable and Customary Algorithms and Reinforcing the Theory of Attributability of Civil Liability for Artificial Intelligence. *Journal of New Technologies Law*, 5(9).